سیاوش، شخصیتی آینی و رازناک در شاهنامه

فیروز فاضلی، ابراهیم کمکی

چکیده

استوری سیاوش، با در نظر گرفتن جزء ساخت‌ماتیهای آن، یکی از اصلی‌ترین و محرورترین بخش‌های در زندگی اسطوره‌های ایرانی است. این اسطوره، یکی از پیش‌روانه‌های ساختاری شاهنامه بیشتر می‌آید. به‌طوری‌که بیشتر دانش‌های ایرانی از این، در بخش‌های بیش از این، در بخش‌هایی نیز بیشتر دانش‌های ایرانی است. سیاوش در زندگی و در این ایرانی، به‌طوری‌که بیشتر دانش‌های ایرانی است. زندگی و مراکز بین‌المللی، اسطوره‌های کهن، را در خود دارد و شخصیتی آینی است. این مقاله در پی آن است تا با تحلیل بین‌المللی ساخت‌ماتیهای اسطوره‌ای شخصیتی سیاوش در شاهنامه، پیام‌درک از ویژگی‌های بارز شخصیتی این اسطوره بدن است. این رهگذر این اسطوره از سیاوش، آفریده‌ای اهورایی و شخصیتی پرپدیده است. شناخت این اسطوره و شخصیتی پرپدیده است. ب) شخصیت این اسطوره و شخصیتی پرپدیده است. در حالی که یک پرستار بایستی باعث می‌گردد که شاهنامه، سیاوش در چنین پاسخ‌هایی به این فرض نماید که سیاوش را به عنوان شخصیتی همگانی به تأثیر گذار معرفی می‌کند، شخصیتی که دارای پویایی و کمال است.

drfiroozfazeli@yahoo.com

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کیلیان

ebrahimkanani@gmail.com

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان

**

塔نیخ وصول ۸۸/۱۰/۱

تاریخ پذیرش ۸۹/۳/۱۷
واژه‌های کلیدی
استوروره، سیاوش، شاهانه، شخصیت.

مقامه

استوروره، بنداشت‌های مشترک انسان‌ها در دورانی معین، دریاگاه هنری و گیاهی، انسان، خوشی و پیگاهنار و آفاق و تنفس است که به شکل داستان بازگو شده و شخصیت استواری جزی یا کسی است که با پایودستن از صفات فردی و شکل و گرفتن در بطن ناخودآگاه ذهن همگانی به ظاهر نمود مخیکاری آینه محصول می‌شود (سرکاری، 1385: 95). شخصیت استوروره سیاوش، در پرتو جنین تحویل و تکون تدربنجی با قرار گرفتن در مقام ابتدای آسمانی، خویشکاری مینوی و را در روى زمین بر عهده می‌گیرد؛ به طوری که می‌توان و یا دیگری را دارد یا رازهای و فراوی دانست و بر پرستی عللت راز گونگی گوه سیاوش در چیست؟ آیا دلیل آن یا می‌توان و یزگی «پری‌زادگی»، دانست و سیاوش را به عنوان جلوگی از بره؛ که تجسن ازدیده یکی از خویشکاری‌های سام-ایزد، بزرگ باوری است، در نظر گرفتن (همان، 123) و یا را که از این نگویی انسان‌نا، نمودهنه از این نگویی انسان‌نا، نمودهنه از این نگویی (همان، 123) دانست. این مقاله بر آن است تا استوروره سیاوش را در شاهانه، از منظرهای خویشکاری با پری‌زادگی و انسان‌نا، نمودهنه تحلیل کند و با مراجعه به آیینه شاهانه، نمودهنه مرتبه با این سه اینگویی در شخصیت او برسی کند تا از این رهگارد تووان زبانی پنهان شخصیت او را بشناسند و تا حکام در آشکار شدن شخصیت معمول‌گونه سیاوش، نوشی را ایفا کند.

(1) سیاوش، شخصیت پری‌زادگی

حماسه‌های ایران بر اساس سرگذشت انسان و ستناکی پهلوان‌های استوار شده که در اثر تحویل، هم‌اهمگی شدن و جای‌بایدی استواری که در شکل تازه خود، انسان جایگزین ایزدان شده است (سرکاری، 1385: 94). سیاوش هم در شمار ایزدیان است که در اثر این جای‌بایدی، از جایگاه نوی خود به جهان حماسه و دنبایی فردیئ، نقل مکان کردی که به ایفای خویشکاری خود بردید. همچنین از زبانی آرمانی و دلبرایی خاصی خود رخ داده است که در میان تمام نفس آفرینان شاهانه، ممتاز و بیدل است؛ به طوری که همه‌ها سرخوشند با دوست‌دارند که این نکته می‌تواند نشانه پری‌زادگی شخصیت سیاوش باشد که آن را از مادر خود به ارث برده است.
سیاست‌شناسی انسانی و راز‌این در شاهدیه

1- سیاست‌سازندگی؛ انرژی دیگرسان و از گونه‌ای دیگر

یکی از مشخص‌هایی که بر پروره‌گر پنهانی سیاست، دلماً داراد، داشته‌نوازی فرهنگی است. فرهنگ نیرویی که از اثرات بخشکداری، از جهان غربی انسان بر گردیده و متقابلی می‌شود (زمردی، 1385: 339). سیاست‌گرداشتن از فرهنگ ابتدایی انسان به تاریخ اسلام‌یابی حکم اشاره و در پاسخ به پرسش سودابه راز، مگویی، بودن و آفرینش از فرهنگی، خود را برعی سودابه آشکار می‌کند (فردوسی، 1383: 139). سیاست در فارسی، می‌تواند به بخش از میان رفتگی داستان‌ها یا اشاره داشته باشد که بر پایه آن سیاست، انسانی از گونه‌ای دیگر است.

شایعه گرمسوری به شاخ ایزدی، سیاست، (همان: 1900: 255) «فرامرده» بودن او از نظر افراسیابی (همان: 1367) ادعای خود او که جهان را زیر فرآش کلاه‌شی می‌داند (همان: 219، 237) و نیز نمایشی بردن و پرستش برگ‌گان شاهی سیاستی را تایید می‌کند. این توصیفات و پرستش آینده‌ای او می‌تواند به پیوندی از یک باور کهن در بافتی نو اشتهار داشته باشد که سیاست‌ها را تا سرحد ایزدی‌شایای ستایش بالا می‌برد و در به‌باجام تغییراتی جدید (سردوک)، آدونیس و ایزدان نیایی چون تنومند «یافته» قرار می‌دهد. همچنین می‌تواند خاطره پرستش‌های مراکش را که در نقش باوری مام-ایزد برده یا به‌نظر می‌آید، خلأ، فرازی آورد (سرکاریانی، 1385: 24-25).

فروه از هورایی سیاست، کارکرد می‌تواند به‌معنای جهان بعد دارد. یکی از این کارکردها، محبوب به گرفته از آن برای پیشگویی حوادث آینده است (فردوسی: 1383: 247). از دیگری کارکردهای فردای ایزدی، برای گرفته از آن برای ساخت بهترین گنج‌گذار است به‌طوری که گویا این یا در ارتباط با سروش ساخته است (همان: 1389). کارکردهای ویران‌فکر از ایزد، ایزد و ایزدی (سرنوشت آینده)، سیاست‌های ایزدی (سرنوشت آینده) و سیاست‌های ایزدی (سرنوشت آینده) و سیاست‌های ایزدی (سرنوشت آینده) را متوقی بت‌خشم به سیاست، خدایان غله و باروئی است و داستان‌ها از ابتدا و از ابتدایی تهیه‌های می‌باشد (آیدی) گرفته است. جنانه بنا شهرت شخصیت سیاست‌ها و در اینم بسیار کهن، متعلق به دموشی (Demuzi) شهید شونده، می‌داند که در اثر جابجایی و درگیری، به داستان سیاست‌های ایزدی و از ابتدایی (Demuzi) کیف‌بسته یا تبدیل شده است (بهار: 1384: 170-1).

2- مادر سیاست

نام و نشان‌های سیاست در هیچ یک از واژه‌های حمصی-اسلامی‌تیابه است. این به نامی،
نام‌شناسی و حضور مهم و راز‌آمیز از خروج گاه‌هایی از دیاره داستان‌شناختی، پژوهشگران را به وجود استنباط‌های کهن در زندگی انسان کنونی پرداخته و راه‌نما می‌کنند. برخی مادر سیاوش را در مفهوم کهن اسطوره‌ای خود (م. آیروسو، 1389: 37) که در اثر چاپ‌سازی ادبی اساساً اطلاع‌رسانی ماهیت می‌دهد و نقش اساطیری خود، به‌طوری‌را به‌دیبا آورده سیاوش انگی از دیده، برخی دیگر را گاه‌گذاری دو مجموعه زاینده سوسیال‌نات از دانشگاه دوم (دوستخواه، 1389: 10) و سرانجام گروهی معطوف که در حساب کهن تر این داستان، مادر سیاوش همان سودایه بوده و لقب پس از آن، به دلیل نت‌سندیدن عشق میان مادر و پسر، سودایه را مادر ناتی سیاوش گرده و وسیله افسانه‌ای که در داستان آمد، باید به مادر دیگری بدون نام ساخته‌اند (بوقلی‌مطلق، 1389: 32). مهم‌ترین ویژگی پری، این است که گاهی به عنوان زن-یاری‌کننده، زیبای باروری، زیبایی و فرشتگی که در عشق است. برخی به‌صورت نگار فریبای بسیار زیبا از نیکالیو، خوب‌چرخ و حق‌وزخمی‌رنگ بوده است. رابطه پری‌با او آری‌اوانه و پله‌ان‌ها و انتخاب همسر از میان‌پلا، در راستای ایفای نقش باروری شانگی می‌پذیرد (س.کارناتی، 1385: 127). این ویژگی که به‌مکانی می‌دهد، ناپذیری در جلوه‌ای، پله‌انه‌ها را شفته‌خور سازد. روایت شناختی، چهره‌مادر سیاوش را پری وارده می‌دارند (فردوسی، 1383: 126). کاوه‌س با مشاهده جمال پری‌گونه او به شکنی شفته‌ش می‌سوید. بهطوری که در آمده‌که این:‌همره‌های سازگاری‌بارگاه خود می‌کند (هرمان، 2006). از سوی دیگر مادر سیاوش به‌صفات و ویژگی‌هایی توصیف شده که بر زیبایی خیره کننده او دلالت دارد، صفاتی چون خوب‌چرخ، فرشتگی‌مومه، سروین و خورشید (هرمان، 2007: 203). همچنین در این داستان مادر سیاوش، مورد انتخاب بی‌پدید کهی‌کند و کاوه‌س را به‌هم‌سری‌برم‌گردن (هرمان، 2002). این ویژگی‌ها فرضیه‌ی پری‌بودن مادر سیاوش را تایید می‌کند. از دیگر ویژگی‌های پری‌ان، وجود مال‌آموذ و گریبان آنها در کتیبه و جنگل است. پری‌ان با پنهانی‌صد گاه و با آن‌ها در آمدن به صورت شکار با فرستادن یکی در کالبدی شکار، پله‌ان‌ها را به‌سوی خود‌فرا می‌خواند (م.آیروسو، 1389: 32). که این ویژگی بازمانده‌ی نوعی گزارش مقدس در آیین پرستگان پری است. در این داستان هم پله‌ان‌ها ایرانی در پی شکار، به‌پیش‌یاره می‌رسند که دختری زیبا در آن اقتام دارد (فردوسی، 1389: 202) که مقتضی‌بودن شکار برای رسیدن به‌این‌دلبه، گونه‌ای از همان شیوه عشق‌انگیز پری‌ان است (آیروسو، 1389: 32). از دیگر مضامین داستان‌های پری‌ان، مهروزی و ازدواج دختر شاه پریان با شاهزاده‌ای جوان و سپس
راه‌کردن شوهر و فرزندان و بازگشت به سرزمین خود و به میان پریان است (سرکارایی، 1385: 14).
در این داستان هم مادر سیاوش، پس از زادن سیاوش، و اینفای نقش استادیوی خود، از نظرها به‌همان می‌شد. یکی دیگر از این مضمون که در استادیوی هنری، بودنیا هم وجود دارد، سرگردانی، رسواپی و مزورگت شاهان و پهلواناتی است که بی پری‌ان ازدوان می‌کردند. این بین می‌ایستادی در داستان سیاوش، به فرزند پری، سیاوش، منتقل و آوارگی و یی‌خانه کشته‌شدند و را موجب می‌شود. همما این شو، کتاب‌خوان در منطق این، این فرضیه را در سطح جهانی گسترش می‌دهد و آن را تأیید می‌کند.

تأکیدی بر وی‌گی «پری-ایزدی؛ مادر سیاوش است. وی‌گی پری، پری، پری، پری، پری، پری (Balder) همان‌یک سیاکانداوی سیاوش و مادر در این منظر، این فرضیه را در سطح جهانی گسترش می‌دهد و آن را تأیید می‌کند (Frigg») (مخته‌یان، 1386: 91-116).

۱-۳ سیاوش، زیبایی و بری گونگی او در سنت‌ادی فرهنگ ایران، پری‌زدگی نماد کمال جمال و دلبری است. مادر سیاوش پری و نمونه زیبایی‌ها و فریب‌گی است؛ سیاوش نیز به سان پری، زیباست. وی‌گی دردیبای، زیبایی و عشق‌انگیزی سیاوش مانند همسانی توصیف کاروس درببر مادر او که بی‌جهداش، فری پری را می‌بینند، توصیف نامادری شش درببر او و اشارة خود او که تواشید را رازی مگر می‌دانند، تایید کننده آن.

است که سیاوش پری‌زاده است.

اختلاف پنداشته‌ای استادیوی، پری در اصلیت نیاز به تولد کردن که در زمان‌های کهن پیش از زرتشت، قابل سیاوش و پری‌زدگی بوده است (سیرکارایی، 1385: 1). سیاوش به عنوان فرزند پری گونگه‌ی چشی مادری، زیبایی و بازگشت است و می‌تواند در ارتباط با او بیان خدانی اعمالی، نقش استادیوی خاصی را افزا کند. سیاوش پری‌زدگی گونگه سودایه و پری‌زدگی کاواوس از سیاوش (فردوسمی، 1386: 146-149) و بوسیندن سر، پای و جبهه دریابی او به وسیله پریان و آماتگی او ایل توران برای پری‌زدگی او (هفتم: 123-124) تأکیدی بر این مسلم است. در داستان بیژن و من‌چه نیاز می‌زد به دیدن جهته مادربیایه مهرسح، او را به سیاوش ماندن می‌کند و با خطاب پری، به او از مهر و همگان‌داری دیگران نسبت به او می‌گوید (هفتم: 466-467). این سخن می‌تواند، تأکیدی دیگری بر پری گونگی سیاوش باشد.

یکی از وی‌گی‌های استادیوی سیاوش، قرار گرفتند در مرکز حوادث عشقی است، چنان زیبا و دوست داشتنی است که سودایه در اولین دیدار، دیوان‌دار، عاشق او می‌شد (هفتم، 135-135) و به
شیوه پرستش یافته باستانی، با عشقم هفت ساله ای را در ورودی دیگر، چهرا و را یاری می داند و دربار و چهره همگان در پرده و غنی می دهند (همان، 1384). سودایه در روند کردنی دیگر، چهرا و را یاری می داند و دربار و چهره همگان در پرده و غنی می دهند (همان، 1384). همه این شواهد نشانه ضرورت اساسی این عشق در برخی های کهن تر داستان

(1381) و پیش زمینه حکایت است که از روز این می توانیم به استفرزدگه کهن فراموش

شده ای در ساخت اساطیری شخصیت سیاوش، رهمن نویم.

1- چند جنسیت و آینی شخصیت سیاوش

یکی دیگر از ویژگی های که بر پریزادگی سیاوش دلالت دارد، جنسیت قدسی و ملکوتی شخصیت (Ratu) یا (Ratu) از صفات ارگانیت آن، خود و با مشتقات آن، خود است که در برندگان دفعه عدل و لازم به سروران و بزرگان می پشته و می تواند به جنسیت قدسی شخصیت سیاوش اشاره داشته باشد. مطابق اشکال شاهانه، گودرزی (فردوسی، 1383)، همین و به (همان، 1384) اشاره به عنوان چهارمیکنند. این اشاره به شخصیت شدن در پس از مرگ با این عنوان بوده است از دیگر سو به دلیل همین صفت است که رستم، سوگند یاد کردن به خاک و را شایسته می داند و آن را در رنگی سوگند به خدا، شاه، خورشید و ماه می آورد (همان، 1384).

از دیگر جنسیت قدسی شخصیت سیاوش که در روشن جهان گرفتار است، همراه عناصر طبیعت با اوست. پیشگویی مودبان مبنی بر پر آتشوب شدن جهان در آثار جنگی با سیاوش، (همان، 222) پیمان صالح افراشیپ با او پس از گاهی از این سرنشین (همان، 222) سیبع شب شدن آب بر اثر مارگ سیاوش و تقریب در کرد افراشیپ (۱۳۸۵) و سیاوش را خورشید و ماه در مارگ او، (همان، 225) نشانه آینی بودن این شخصیت است و در مطابق با رویاهای دینی، چنین تحلیل می شود که پس از حمله اهرویه و چیرگی و پیگی، آفرینی اهورایی به دفاع بر می یزد و همیع عناصر گیاهی به سنته با بهره اهرویه می پردازند و را گرفتار می کنند (سرکاری، 1385: 101).

از دیگر جنسیت قدسی شخصیت سیاوش، ارتباط با پس از مرگ با این جهان و تأثیر روشن بر انسان یاست. افراشیپ در رویاهای محیط و حشت از طوفانی مهیب و را می بیند که سرایردگه شاهی شا را سرنگون می کند؛ سیاوش از ایران به ورید جان چهارده ساله میلیون میلیون (شخصیتی کمال بانگه سیاوش؛ یعنی کیفیت) می رسه که پس از نشستن بر تخت پادشاهی، او، میانش را به دوری می کند (فردوسی، 1385: 221). این خواب واقعی، در کنار تأثیرات شگرف بر ذهن و روان او که به صورت
سیاسه شخصیتی آیینی و رازهای در شاهنامه

خروس ناگهانی و در خاک آریمیدان او جلوه کرد، می تواند تلقینی آیینی و استطوارهای از بریای
آشوب در جنگ با سیاوش باشد. پیدایش شدن سیاوش در عالم رؤیا در بیران (همان، 476) آشکار
شدند روان او و در کارکردن نمادین و در یپک سروش بر گودنز (همان، 478) ظاهرشند روان او بر
طوس در خواب پس از مرگ (همان، 478) و سرانجام ظاهرشند در قابل هوم (Haoma).

گرفنی از برای سیریند افراسیاب به کیخسرو، (همان، 440) نشانه ارتباط انسان‌ها استطوارهای با
سروش و نیروهای همچون یزدان (رستگار فسایی 1383) 0.5 و تاکیدی بر مورد فوق است.

5-1 سیاوش و توتم اسپ و جنبه تونمیک و آیین آن

از دیگر جنبه‌هایی که به طور ضمنی و تلویحی بر پری‌زدگی سیاوش دلالت دارد، تحویل تونمیک
او از اسب تا خدا در گذشته است. با پر اعتقادی تونمیک، شیر از مرحله بدویت مطلق حرکت می‌کند و
به عصر توتم، سپس به عصر قهرمانان و خداوندان و سرانجام به دوره تکامل می‌رسد (پورخارقی
چرودی، 1371: 418). سیاوش نیز در زمان کهن و در آیین توتمی به شکل یک اسب تنظم یافته و
برنده می‌شد است، مسی در نتیجه «انثروبومورفیزم» (Anthropomorphism) به سوار (شاه)
تبدیل شدند در تاریخ‌نگاران خدا باید بدانند.

همراه شدن «اسب، نیزه و رزه» به عنوان سه یادگار سیاوش برای فرندنش، (فردوسی، 1383: 418) رابطه
رشته‌نام سیاوش که از جزء سیاوش (Siyā+varšān) به معنی «دارنده نریان سیاوه»، تشکیل
شد، نقد مهم اسب در این داستان، تاکیدی بر این تحویل تونمیک است. همسانی میان کارکرد
سیاوش به عنوان مانندی صلح ایران و توران و ظاهر شدن گاو سختی و دو نوته‌های پهلوی در این
نقش و توصیف غمگینی شده که شدن او به صورت یک دو و خاموش، در مقایسه با یک یک
قربایی معنای گوستیبا می‌توان و سرانجام کشف خروسی به یاد سیاوش در شب نوروز، همه قریه‌ای بر
نقش تونمیک سیاوش در ساخت استطواره است (3-کرامو ولوسکا، 1382: 141).

رفتن دلسردان و پیگیری سیاوش با اسب، نجواها، گفتگو و نشانه‌ها و تصویب به این موجه،
(فردوسی 393: 1) شناسایی کیخدرو با کمک نشانه‌هایی که سیاوش به اسب گفته بود (همان،
478) و نیز صفات و روحیات انسانی به کار رفته در توصیف آن، دلیل بی‌گنری بر این باور است. در
نهاه این اسب، در گذر استطوارهای کیخدرو، یاز جبیونی، بار و مقدار آست و نقش خود را در
رهایی و خوشی، ایفای می‌کند و ار را سلامت از رودخانه عبور می‌دهد (همان، 479). بنابراین تونمیک
بر این نکته تاکید می‌کند که از توتم و نیروی اتحادبختی و پایداری دنده و سرانجام توامی‌پایش در
راهایی، استفاده شده است (حصروری، ۱۳۸۴، صفحه ۹۷).

یکی از کارکردهای این عقیده، گذش موقتی آن در حالت آبی، رنگ‌های یکی بودن سیاوش و اسب است. از جمله کارکرهای دیگر آن، بنا به ایام شاهنامه، کاربرد صفت سیاوش برای این اسب (همان، ۴۹۴–۱۵۷۷ است. نام این اسب (شرکته پهوجز)، به همراه صفت سیاوش در آن و سیس پوشیشند لباس سیاوش در مرگ سیاوش، نشانه همراه شدن و همراهی او و اسب است. برخی خوشنویسان به وجود تصویر اسب سیاوش بر روی کوزه لعابدار و آثار گنبديای، اشاراتی کرده‌اند (حرصوري، ۱۳۸۴، صفحه ۴۸). چه سیاوش بودن تصویر این اسب، بر ضرورت استطورهای تأکید و فرضیه‌های را از تأثیر می‌کند. از کارکرهای دیگر آن، ویژگی‌های خاص این اسب است. بنابراین این شاهنامه، خاک نشان به ماه مرسیده، (فردوسي، ۱۳۸۴، صفحه ۲۸۹) در روز گین، باد را در می‌یافته، (همان، ۲۸۹) چرخه پرتو و داستان و می‌توانست از نظرها پنجه شود (همان، ۲۸۸، ۳۲۳–۱۱). این ویژگی‌ها نشانه پرتو و بودن و ابزارگونه شخصیت سیاوش است و به طور تلویحی بر بردگان و دلالت می‌کند.

۱–۶ شهادت خورشیدگونه سیاوش و جنبه‌های آینی و قدمی آن

یکی دیگر از جنبه‌هایی که به طور معمول و تلویحی بر ابزارگونه سیاوش دلالت دارد، شهادت خورشیدگونه است. داستان سیاوش نمونه‌ای درخشان از شهادت است که ویژگی‌های مهم آن، معصومیت و آگاهی وی از سرنوشت شوم خورشید است. پیشگویی سیاوش درباره شوم سرنوشت، (فردوسي، ۱۳۸۴، صفحه ۲۸۱) گویا در افسانه، فرنگی و به گاه انسانها به بی‌گناهی او (همان، ۱۲۴) این مسئله را تأیید از اصل روایت استطورهای و حکایاتی که می‌کند و نشانه که همان بودن آن است. سیاوش افسانه‌ای نیز در ایام شاه‌دوست یکا را شناسی کرده‌اند:

چرا کشت خواهی، کسی را که ناج
شیره نظامی، ای خردمدن‌ها
(همان، ۲۸۶:۱–۳)

در این ایام به ارتباط تاجداری (شاه) و کشتی شدن بنگاه، توجه به زیبایش یکه که نشان می‌دهد مرگ سیاوش که به رستاخیز وی می‌پردازد، می‌تواند گزارشی نوز آینی قربانی کردنشه باشد، چون در این مفهوم داستان او با روایت ازدواج دموزی (دیموزی) و (آنتی) با دموزی (درمان) زاینده گشته، ارتباط بیشتری باید می‌کند که بر اساس آن دموزی پایست نیاز نیست از سال را در جهان زیرین و دنیای مردگان به سربرد.
یکی دیگر از جنبه‌هایی که تلویحاً بر پریزادگی سیاست، تأکید می‌کند، پیشگویی مرگ، ارزش آئین و ضرورت کن‌خواهی و آئینی بودن آن است. سیاوش از عاقبت شوم کشف، پره‌نشابی شدن زمین و زندگانهای کن‌خواهی‌اش تا رستاخیز، (همان، ۱۳۷۴) سخن می‌گوید و بر آن مراقبت می‌کند. افراسیاب نیز با آگاهی از جنبه‌های رستاخیز گوهشر بر کشتی او به شیوه‌یاد که درخت کن‌خواهی از خون او نرود. (همان، ۱۳۸۲-۵۴) تأکید دارد.

از دیگر نشانه‌های آئینی بودن این کن‌خواهی، برپایی آئینی خاصی با نام «سوگ سیاوش»، سوگیستن و خروش مغایری با سروکیت سیاوش، در اشاره‌ی تاریخ بخارا (۳۴۳، ص ۱۶۵) در پی کشتی او است. این آئین، به برای روانی شاهنامه بی‌جهت کن‌خواهی چون سوگیستن و خروش، خواش‌ی‌دان روزی بر سر ریختن خاک و پوشیدن لباس سیاوش سیاه، نموذ هپدا می‌کند. (فردوسی، ۴۸۴-۷۸۲)

۲۶۷۳ نشان ده‌نده وجود شیوه آئینی در مراسم انسان- خداوند است که برای زندگانی و رونق آن، قربانی می‌شود است (مِرداپور، ۱۳۷۸، ص ۳۳۱). سیاوش در این نحوه مانع‌سان- خداوند است که با قربانی در شدن در کشفی که‌ها، حیات بشری خود را با زندگانی سرودی عوض می‌کند. تعلیم‌سانها در سپاهیان بعدی به این شکل از آن‌ها، نشانه‌اند که است که هر یک از آن‌ها در مراسم سوگیت، خود را سیاوشی می‌ریزد و با پوشیدن لباس سیاه، وحدتی را که تبیین به شیوه است، با پیام‌آور نخود سیدیوش، برقرار می‌کند (۳۰-حصوری، ۱۳۸۴: ۳۱۲).

یکی دیگر از جنبه‌هایی که به طور قضیه پریزادگی سیاوش را تأیید می‌کند، اعتقاد به این تصور است که قائل شاه و ناسداکی کن او، خشکی و اپارتاً به بار می‌آورد (مِرداپور، ۱۳۸۱: ۳۱۰). بنابراین شاهنامه، پس از شهدت سیاوش در اثر خشک‌سالی شگفت، هنگام شرزمین آباد ایران به هر قدر درخشش‌نشان نبوده می‌شود. ایرانیان بدخال و نگون‌بخش می‌شوند. پس از این ورودیاد، تنها با آمدن شهریار دادگستر و راست‌کرادار می‌توان به دوران پرپارانی رسید و این راه حقی است که سروش در رژیم‌هایی در حالی که بر این بر پرپاران نشسته، به گوهرز نشان می‌دهد (فردوسی، ۳۸۳، ۲۰۱۰-۲۰۱۶) کیخشر، پیک آورنده پاران و دارای تقدیس است و با آمدن او ایران و تاج‌گذاری او پس از سال‌ها خشک‌سالی، دوران «نیوپاران» آغاز می‌شود (همان، ۱۳۸۴: ۳۴). این امر بر تأثیر داوری و راست‌کرادار جون کیخشر در بارباری پاران، دلالت دارد و می‌تواند بازمانده‌ی نقص آئینی شاه-روحانی عهد باستیزان و آن‌مقداری باراپارانی پاران باشد.

علاوه بر کیخشر، سیاوش نیز از ایزدان پاران کرداری است که به گفته‌ی خود به جنگ آتشی، نماد
سیاوش و نخستین انسان

حماسه ملی ایران در ساخت استاتری چود، تصویرگر باروری در برنامه ایرانی درباره نخستین انسان و گیتی است (سرکارانی، 1385: 96). از نظر که این استاتری گزارشی آشکار کرده که ما این انسان در هنگام آزمود گیتی در واقع نخستین انسان است و نتیجه که برای هم این انسان را در اثر جابه جایی استاتری، گیتی از این استاتری گزارشی که شکل خاصی باروری به داده و در مورد نخستین انسان مطرح می‌شود. استاتری چود، استاتری خودی که گیتی از شناسایی و گیتی از مسایل مرتبط با این موضوع، مسئله نخستین انسان و شکل‌گیری و سیاوش از این منظور است.

1-1 (همسایه‌های سیاوش و کیمروت به عنوان نخستین انسان

1-1-1 (قرنها و گیاهان تباری در استاتری مختلط جهان و تاریخ انسان که خود مرتبط با علم "انسانشناسی" (Anthropology) است، سه دیدگاه درباره پیاده‌ن假设 انسان، وجود دارد، پیاده‌ن假设 انسان از نظر کارل مارکس (1384: 236). اندیشه ایرانی در مورد نخستین انسان نزد اندیشه‌های قدیم آمده است که جهان کوچکی را از این انسان اولیه و نخستین زوج بسیار پیدا آمده از یک یا دو گیاه می‌دانه (کریستین‌سن، 1383: 43). یکی از استاتری از مرتبط با این اندیشه، استاتری چود، کرون 7152
سیاست، شخصیتی آیینی و راز‌های در شاهانه‌ها

گاو یک‌تایی بندگه‌نشین است که می‌تواند در اثر جابجایی با دیگر گروه‌های سیاستی، به استعفاهای دیگر تبدیل شده باشد؛ استعفاهایی که با نخستین انسان؛ پروزه سیاست ارتباط پیدا می‌کند.

بنی‌ماهیه منشکری که در استعفاهای مربوط به نخستین انسان وجود دارد، به‌ترتیب قربانی و گیاه‌باری آن است و یکی از بزرگ‌ترین نشانه‌هایی که نخستین انسان بودن سیاست را تایید می‌کند، بنی‌ماهیه روی‌بند گیاه آن انسان (خلافی مطلق، 1372: 103 آیا به تعبیری جان گرافی گیاهی (خادمی کولایی، 1372: 132) و در نگاهی دیگر پیکر گردنی (آبریش، 1367: 2) است. البته الگویی است. اسطوره‌ای بنی‌ماهی، استعفاهای بندگه‌نشین ریسی از آب پشت کیمیک است که یا گیاه‌باری انسان نخستین در استعفاهو و به‌تبع آن جنبه تنومنیک گیاه در معنویات باستانی ارتباط بیدار می‌کند (ایدلوند، 1374: 89). تجربی روح آدمی در گیاه، بر اساس باور فردی (نامه) نیز سیاست‌ای از مهم‌ترین نگره استعفاهای است (خادمی کولایی، 1372: 243). در رواج شاهانه، اعتقاد سودای در نیم‌سیاست. دریافت سیاست گونه پری‌گونگ (سیاوش، (فردوسی، 1382: 264)، وفقر آینی و پرستسعى گونه پری‌گونگ (سیاوش، (قودیین، 1370: 148) اشاره خودی نبود جدی‌تر از گیاه‌هایش با به‌نام شش‌گذاشتن پیوند با خانک (زهدان زمین - مادرد) تاکید افسوسیاب بر نزدیکی خون او بر زمین در ترس از رستگاری کی، خوادی؛ (سیاوش، 1375) و پشتیبانی خواستن از خیامرو و حفظ او در پناه خود، (سیاوش، 1370: 267، 1374: 260-268، 1374: 260-268) صلیب دیگری در تایید پندازه گیاه‌باری سیاست است.

از دیگر نشانه‌هایی که گیاه‌باری سیاست را تایید می‌کند، اشاره شاهانه درباره سیاست‌درختی بند‌از خون او است: درختی شکوفه و شاداب که به گونه‌ای نامیدین بر گیاه‌های آن، چهار سیاست‌نگاشت شده و سیاوراوان به شبیهی آینی آن را پرستسعى می‌کند (فردوسی، 1383: 261). پیشگویی سیاوش درباره کیخسرو و به گروه برندن صفت (باز آرورد نر از درخت، دیوان) او (سیاوش، 1374: 260)؛ یاد کردن پیام از کیخسرو با صفت درخت نو به بار آمده در جهان؛ و سیزه مردوان سیاوش گرد که او را (سیاوش، 1555: 1-9) با نام روحیه گیاهی از خود سیاوش در همه‌گاهی کامل است و پندازه تجدید زندگی را تکرار می‌کند.

نمونه‌های نامدار روش گل‌ها و گیاهان از خون به زمین ریخته‌انسان‌ها و آیین‌مرکز و رستاخیز مجدّد خدا نسبت به مکان در استعفاهای غیر ایرانی چون استعفاهای یونانی، (پیریل، 1386: 243) راژی، (زمردری، 1385: 241؛ چینی، (کویتامی، 1382: 127؛ چینی، (آیدلوند، 1385: 241). هندی، مصری،
به‌خصوصیت و حتی داستان‌های می‌تواند در تئاتر (بهار، ۱۳۸۷: ۳۹۸)، بنگاه‌های تجاری سیاست‌های تبدیلی می‌کند و در نهایت با روش‌های متنوع و دیدگاه‌های مختلف منابع، این دسته‌بندی و تحلیل می‌باشد. این مفهوم در مطالبی با پاره‌ای موجود در جهان‌های مسیحی که گزارش شد در اینگونه تحلیل می‌شود که، در آزمایش‌هایی که تا توپل دوباره و با جلوه در گیاهان، به نیای اساسی‌های خود می‌پوسته‌اند، نتیجه‌اند که جادوگری زیستی و آرمان مرگ‌سوزی را نماده‌شده گرداند (خادمی کولاپی، ۱۳۸۷: ۳۹۲-۳۹۴).

همه این نمونه‌ها در دیواره اسطوره سیاست و در مطالبی با تئاتری بهار (۱۳۸۷: ۳۹۶-۳۹۸: ۳۹۵: ۳۹۷)، به عنوان این گونه تحلیل کرده که سیاست در این داستان که تقلیدی از یک نمونه آغازین (Archetype) است، بس از اندکی آیینی به فرکیس (ملکه‌ی یک شاهبانو)، به است و یکشته می‌شود. این نگاه، سیاست، به عنوان خداز غلظ و با توجه مطرح و از آنجا به زمین ریخته و گیاهی، سبز می‌شود.

این قربانی: کشتی یکپارچه و قدسی می‌تواند به‌عنوان یک مسئله که برای تقویت عمل باروری و تجدید عمل آفرینش انجام می‌گردد است.

(۲-۱) زیبایی

ویژگی دیگری که سیاست را در شاهنشاهی به عنوان نخستین انسان معرفی می‌کند، زیبایی خارق‌العاده اوست (خالقی مطلق، ۱۳۷۲: ۱۰۱). در عقاید ایرانی، سیاست مانند کیوبیروتو و جمیته‌ای در این زیبایی ابعاد آبی بوده است. نظریه‌های (Neckel) و زیبایی چهره‌ای منظوراند و نظریه‌های شرودر (Schröder) در یکپارچه یکپارچه باشد. در تئوری سیاست‌های علی‌الdrae اسکالاری که سیاست به‌عنوان به‌نماد ازبین گیاهی سیاست شارس داشته باشد. به‌گونه‌ای که سیاست نیاز دیگر یکپارچه‌ای این شاخه اسطوره‌ای را که بر اساس آن گیاهان نمادی از بی‌گناهان اند، تأثیر می‌گیرد (مختبران، ۱۳۸۶: ۱۱۶-۹۱) این ویژگی در فصل اول، پیش (۲-۳) بررسی شد.

(۲-۱-۳) مرج و حوادث پیرامون آن

همسانی دیگر کیوبیروتو و سیاست که این دو را به عنوان نخستین انسان می‌شناسند و برخی پژوهشگران بیان آن اشاره کرده‌اند (خالقی مطلق، ۱۳۷۲: ۱۳-۲) (اکبری مختلف، ۱۳۸۳: ۱۴-۲) (لطف: ۱۴۲) با پایانی تین لحظه‌های مرج و حوادث پیرامون آن و روایات رایج و شاهدی آن دو در مورد آن است. مطالبی اشاعه بندگی، کیوبیروتو پیش از مرج بیاب است و به‌عنوان اشیاع فیروزه‌ای می‌رود که پس از آن، جهان را تیره و نار می‌بیند. آسمان از گردش و خورشید و ماه از حرکت می‌ایستد.
سیاست‌های انسانی ایرانی و رژیم‌های دیگر

(دادرست: ۱۳۸۵، ۱۳): همچنین با بر اشارة به هستی یافتن آفرینش با خواست و اراده و برای مصلحت خود را به دست افراد می‌سپارد (نفتپیمان، ۱۳۸۵: ۴۲–۴۵) و براساس روایت بندی، پس از مرگ، از نخمه و نیاز خود باید مکرر و همچنین منفی و مشابه به و سپس مردمان از او به وجد راز یاد می‌کردند (دادرست: ۱۳۸۶، ۵۳-۵۵). متقابل روایت شاهنامه، سیاست بین‌المللی پیش از مرگ، در روایاتی راستین و راژاک (۱۳۸۶، ۲۴۷) گزارش آن از شااه و آب و رخت ضریب از این جهان را به چیزهای میدان. همچنین بر اساس کیومرث هنگام مرگ، در یاد کرد که نیاز خریوش، جون پیشگویی نهادان، بودن‌ها را بیان می‌دارد و از خدای خوانده که شاهانی نورانی از نخمه و به وجد بیارود (فردوسی، ۱۳۸۴: ۲۴۷). سپس فرهنگی را از SuK به نزدیکی و داستان‌کنی خواهی اش آگاه و سرانجام برای آفرینش دوباره و برای معرفی کیهان، کیومرث گونه، خود را به دفاع، تسلیم افرادی و مراکز می‌کرد (هفتم، ۲۹۲).

یکی دیگر از همسان‌های کیومرث و سیاست به عنوان نخستین انسان، خورشید با و سپس آن‌ها را به اثر اشاره است (زمزمری، ۱۳۸۵، ۴۲). همچنین مطابق اساطیر زرتشتی نقل شده در ادبیات پهلوی، کیومرث به سبب خورشید بود از همگنا خدا و در نظر نگه‌داریار و تطبیر به خورشید مرتفع شد، بعدها نخستین زوج انسانی زاده شد (سیرکرات، ۱۳۸۵: ۲۱۹). در جلساتی ادبی استعمر نیز هر گاه از زیبایی و شنیده می‌خواند کسی می‌خوند به می‌آید، اما مرگش را تنبیه می‌شود.

سیاست نیز به دلیل آنکه قرار از سوی ارهازده به خورشید رسیده، هرگاه خورشیدی دارد.

لیست سیاست در کتاب تصویری از آفتک و شمع، هنگام جلوه کردن روانش بر پریان و طوس، در (هفتم، ۲۴۹) تأکید بر خورشیدی بودن می‌گویی سیاست است. خورشیدگونگی کیومرث و سیاست ارتباط آنها با هم و در رویکردی همه انسانها، فرضیه همسانی این دو شخصیت را تقویت و بر اصل خورشیدی انسان در اسطوره‌های ایرانی تأیید می‌کند.
نتیجه‌گیری
سیاووش، در بن‌ی‌مانی اسطوره‌های کارگزاران مینوی، آفریده‌ای از فرآفريد‌گوار و خداوندی است که برای گزاردن خورشید و خورشید را به جهان آمد. این سویی به شخصیت راز‌انگار و فراورنده خود، نماد باغ باستانی و پری-ایزدی است که در شکل گاهی خود شایان پرستش و احترام خاصی بوده است و از این سوی دیگر، نماد خدا و ازدیان نیتی است که در این مفهوم، شخصیت به مرگ شده از تموز، ازد شهید شونده بعد از ازدیان است که در نهایت به باقی بی‌خیمه، بازگردن و سپس این سیاوش برخاک افتدیده به در این اسطوره و روبیان گیاهی از خون او، به آزاد انگلیسی ایرانیان درباره نخست‌ترین نسخه است که بدان آن بر پیش نمونه اسطوره قربانی گاو یکتا آفرید و کیو‌کوئی برخاک افتدیده در اسطوره آقزیش استورش، در دش‌باتش با آین آسیای غربی، مدرن‌ترین است او. سیاوش در این مفهوم به عنوان ازدیان برکت و خداوند خلیفه ملّی تبدیل می‌شود تا در نتیجه آن، پرخاک اسطوره بلند‌آوازه پس از گذشته‌های هزارنده در گستره‌ای که گوش بررسد و شکفت‌انگیز و رازگونه به زندگی خود، ادامه بدهد.

متابع
1- آیدنلو، سجاد. (1386)。「شناسه‌های سرشناس اسطوره‌ای افراسیاب در شاهنامه‌ای، از اسطوره‌ی نا حماه‌‌ها هفت گفتار در شاهنامه‌زهی، با مقدمه محمد امین ریاحی، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد. دفتر نشر اثر دانشجویان ایران ج. اول، ص ص 54-523.
2- __________ (1386). [یک‌تایی اسطوره‌ای دو دینگی از ناسیان و بازداشت آن در شاهنامه و ادب پارسی‌ها، نارسیده ترجمه (بیست مقاله و نقد درباره شاهنامه و ادب حماسی ایران)، با مقدمه جلال خالقی مطلق، اصفهان: انتشارات نشر ماما، چاپ اول، ص ص 138-189.
3- __________ (1384). [فرضی‌نی‌ای درباره مادر سیاوش، نامه فرهنگستان، دوره هفتم، شماره سوم، ص ص 27-46.
4- ______________ (1384) آفرینش، آریش (1384) حماسی‌ها ایرانی، تهران، ترجمه. چاپ اول، ص ص 27-46.
5- ______________ (1384) حماسی‌ها، صدر (1384) ب. مودای ایرانی با دو جلوده هم‌و‌هم‌وی و اهدی‌منی در برای سیاوش، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی فردوسی مشهد، سال اول، شماره 150.
سیاست، شخصیتی آموزشی و رازنامه در دانشگاههای زبانهای ایران

ص ۸۵-۱۰۴

6- بهار، مهرداد (۱۳۸۴). از اسطوره‌ناپایان در اساطیر ایران، ویراستار ابواقاسم اسماعیل‌پور (ویراست دوم)، تهران: نشر چشم‌های، چاپ چهارم، بهار.

7- مزداور و (ویراست سوم)، تهران: آگاه، چاپ ششم.

8- ابواقاسم اسماعیل‌پور، تهران: اسطوره‌ناری، چاپ اول.


10- بورخالقی جنرالی، مهدی. (۱۳۸۸). تیر و مدرسه‌های گاهی، مجله دانشگاهی ادبیات فردوسی مشهد، سال سی و دوم، شماره سوم و شماره، شماره مسول ۱۴۲-۷۲۷، ص ۲۱۵-۲۱۴.

11- حضرتی، علی. (۱۳۸۵). سیاوشان، تهران: نشر چشم‌های، چاپ دوم.

12- خامبی کولاپی، مهدی. (۱۳۸۷). نمادپردازی بین‌المللی از منظر تاریخ اسطوره‌سازی در شعر فارسی، نقد ادبی، سال اول، شماره اول، ص ۲۲۵-۲۲۴.

۱۳- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۷۳). سیاحت و موضوع نخستین انسان به کوشش چالش على دهباشی، گل‌رنج‌های کهن: برگزاری مقالات درباره، سیاوش سالی، تهران: نشر مرکز، چاپ اول، ص ۹۱-۱۰۵.

۱۴- سیاحت‌های کهن: برگزاری مقالات درباره، سیاوش سالی، تهران: اکثری، چاپ دوم، ص ۲۱۳-۲۲۷.

۱۵- نوح، فرشته. (۱۳۸۵). پیداهی، نشر مرکز، تهران: انتشارات توسعه، چاپ سوم.

۱۶- دوست‌خواه، چنل. (۱۳۸۰). مادر سیاوش (۲) جستار در ریشه‌بایی، پیک اسطوره‌ها، حماسه ایران.

۱۷- رستگار فضایی، منصور. (۱۳۸۳). پیک‌گردانی در اساطیر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.

۱۸- رضی، هاشم. (۱۳۷۵). ونکیداد، نشر اول، چاپ اول.

شکار شده، تهران: انتشارات طراحی، چاپ دوم، ص ۲۴-۲۳.

۲۴- کریستنسن، آنتون امانوئل (۱۳۸۳). شاهنامه (من کامل در یک جلد) بر اساس چاپ مسکو، به;

۲۵- کریستنسن، آنتون امانوئل (۱۳۸۳). نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ

افسانه‌های ایرانیان، ترجمه زاله آموزگار، احمد تفضیلی، تهران: نشر چشمه، چاپ دوم، بهار.

۲۶- کوینی، جهانگیر کوربی (۱۳۸۴). بنبادهای اسطوره و حماسه ایران: شناخت گفتار در

استپورشناسی و حماسه‌پژوهی سنجشی، گزارش و برایش جلد دوستخواه تهران: آگه.

۲۷- مختاریان، بهار (۱۳۸۴). صبا خوش و بالایی: پژوهشی تطبیقی در استپورشناسی هند و

اروبایی، نامه انجمن، سال هفتم، شماره اول (entyabi ۲۵ )، ص ۹۱-۱۱۶.

۲۸- مرادی، کتیبه‌نویس (۱۳۸۱). اهنگ‌های بان در هزار و یک شب، شناخت هوریتی زن ایرانی در

گستره بیش تاریخ و تاریخ، به کوشش شهلا امینی و مهرانگیز کار، تهران: انتشارات روشتنگران

و مطالعات زنان، چاپ سوم، ص ۳۴۲-۳۲۹.

۲۹- دیگری درباره اسطوره، تهران: اساطیر، چاپ اول، ص ۲۵-۴۸.

۳۰- مینوی خر (۱۳۸۰). به کوشش تفضیلی، احمد و زاله آموزگار، تهران: نشر نوس، ویرایش

سوم، بهار.